Volume 3, Issue1, Year 2026

مجلهٔ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal
Journal Homepage:
https://www.taj.edu.af/magazine/index.php

ISSN
P: 2664-9144
E: 3106-4191

OPEN ACCESS

Publisher: Taj University

DOI: http://doi.org/10.63616/taj.V.03.I.01.03

Examining Afghanistan's Position in the Regional Order Shaped by Great-Power Competition in Central Asia

Mohammad Salim Naji[*] and Yama Sharaf[**]

[*] Academic staff member of Law and Political Science Faculty, Taj University, Balkh, Afghanistan (msalimnaji@gmail.com)

[**] Academic staff member of Law and Political Science Faculty, Balkh University, Balkh, Afghanistan (yamasharaf@yahoo.com)

Article Info

Received:
2026 / 6 / 24

Accepted:
2026 / 10 /6

Published:
2026 / 10 / 31

ABSTRACT

Central Asia is one of the world's strategically important regions in terms of energy resources. Following the collapse of the Soviet Union, the region has once again become a site of competition among major global powers such as the United States, Russia, and China. This study seeks to answer the question: What is the position of Afghanistan in the regional order shaped by great-power competition in Central Asia?

This research employs a qualitative method with a descriptive-explanatory approach. The findings indicate that Afghanistan plays a moderating role in the regional order shaped by great-power competition in Central Asia. In other words, relative stability in Afghanistan drives the great powers toward competition in the geo-economic domain, whereas instability in Afghanistan drives them toward competition along the security and military dimensions of Central Asia. Given the Central Asian states' tendency to follow the lead of major powers and the strong influence exerted by these powers, particularly Russia, a regional order in the precise sense of the term has not yet fully emerged in Central Asia.

Keywords: Central Asia, the United States, Afghanistan, China, Great Power Competition, Russia, and Regional Order.

مجلۀ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal
صفحۀ اصلی مجله: https://www.taj.edu.af/magazine/index.php
ISSN
P: 2664-9144
E: 3106-4191
OPEN ACCESS

ناشر: پوهنتون تاج
DOI: http://doi.org/10.63616/taj.V.03.I.01.03

بررسی جایگاه افغانستان در نظم منطقه‌ای متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی

محمد سالم ناجی[۱] و پوهنوال دکتور یما شراف[۲]
[۱] عضو کادر علمی پوهنحی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون تاج، بلخ، افغانستان (msalimnaji@gmail.com)
[۲] عضو کادر علمی پوهنحی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون بلخ، افغانستان (yamasharaf@yahoo.com)

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت:
۱۴۰۵/۴/۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۵/۷/۱۴
تاریخ نشر:
۱۴۰۵/۸/۹

چکیده

آسیای مرکزی به لحاظ منابع انرژی یکی از مناطق مهم جهان است که پس از فروپاشی شوروی، بار دیگر درگیر رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی مانند آمریکا، روسیه و چین بوده است. این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که جایگاه افغانستان در نظم منطقه‌ای متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی از چه قرار است؟ در این تحقیق از روش کیفی با رویکرد توصیفی-تبیینی استفاده‌شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که افغانستان در نظم منطقه‌ای متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی نقش متغیر تعدیل‌کننده دارد؛ به این معنا که ثبات نسبی در افغانستان موجب رانش قدرت‌های بزرگ به‌سوی رقابت در حوزه ژئواکونومیک و بی‌ثباتی افغانستان موجب رانش قدرت‌های بزرگ به‌سوی رقابت در ابعاد امنیتی-نظامی آسیای مرکزی شده است. با توجه به دنباله‌روی دولت‌های آسیای مرکزی و نفوذ شدید قدرت‌های بزرگ مخصوصاً روسیه، هنوز در آسیای مرکزی نظم منطقه‌ای به مفهوم دقیق آن شکل نگرفته است.

کلمات کلیدی: آسیای مرکزی، آمریکا، افغانستان، چین، رقابت قدرت، روسیه و نظم منطقه‌ای

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. مقدمه

اَلْحَمْدُ لِلّٰه نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللّٰه مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللّٰهُ فَلاَ مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضْلِلْ فَلاَ هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اما بعد:

آسیای مرکزی یکی از مهم‌ترین مناطق جهان با ذخایر عمده انرژی (نفت و گاز) در جهان است. این منطقه امروز شامل کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبیکستان و ترکمنستان است. آسیای مرکزی درگذشته بهنام‌های توران، ماورالنهر، تورکستان و آسیای میانه یادشده است. در نیمه دوم قرن نوزدهم خان‌نشین‌های تورکستان توسط امپراتوری روسیه تزاری یکی پس از دیگری از قدرت کنار زده شدند و درنهایت در دهه دوم قرن بیستم به نام جمهوریت‌های آسیای مرکزی اتحاد جماهیر شوروی مسما شدند. رقابت قدرت در آسیای مرکزی پدیده جدید نیست بلکه در قرن نوزدهم بریتانیا مهم‌ترین رقیب روسیه در آسیای مرکزی بود که رقابت آنان تحت عنوان بازی بزرگ[1] یادشده است.

در قرن نوزدهم رقابت دو قدرت استعماری جهان (بریتانیا و روسیه در آسیای مرکزی) با توجه منافع ژئوپلیتیکی بریتانیا در شبه‌قاره هند، دارای افت‌وخیز محسوس بود ولی این دو قدرت در ۱۹۰۷ به توافقی دست یافتند که بر اساس آن شمال آمو در حوزه نفوذ روسیه تزاری و جنوب آمو در حوزه نفوذ هند بریتانیایی قرار گرفت و افغانستان در محدود نفوذ هند بریتانیایی قرار گرفت که سیاست خارجی آن توسط بریتانیا کنترل و نظارت می‌شد اما در سیاست داخلی مستقل عمل می‌نمود (Klein, 1971, p. 126).

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و تثبیت قدرت بلشویک‌ها، سیاست توسعه‌طلبانه شوروی بیشتر متمرکز به اروپای شرقی شد و این امر باعث شد که رقابت قدرت اندک زمانی در آسیای مرکزی کم‌رنگ شود ولی به قدرت رسیدن حزب نازی در آلمان بار دیگر دامنه رقابت قدرت‌های اروپایی را به آسیای مرکزی، ایران و افغانستان کشانید (Jenkins, 2016, p. 727; Hauner, 1982, p. 482). بازدید داود خان از آلمان نازی، تلاش افسران نازی در ایران و آسیای مرکزی جهت مقابله با شوروی و بریتانیا در قالب رقابت قدرت‌های بزرگ انجام‌گرفته بود (Lee, 2018, pp. 526-533).

[1] Great Game

استالین با پنجه آهنین و کشتار خونین در سراسر قلمرو شوروی به شمول آسیای مرکزی حکومت نمود و حتی پس از مرگ وی زمینه رقابت قدرت‌های بزرگ دیگر در آسیای مرکزی فراهم نشد تا این‌که در دهه ۱۹۸۰ در زمان جنگ شوروی در افغانستان، آمریکا از فرصت پیش‌آمده استفاده نموده و فعالیت‌های تخریبی را در شمال آمو به راه انداخت ولی به نتیجه مطلوب دست نیافت اما این امر به معنای پایان رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی نبود بلکه این روند دچار وقفه کوتاه‌مدت شد و پس ده سال دوباره از سر گرفته شد که تا اکنون نیز پایان نیافته است.

۲. بیان مسئله

با پایان جنگ سرد، بسیاری‌ها به شمول متفکران بزرگ مانند فرانسیس فوکویاما تصور می‌کردند که دیگر رقابت قدرت‌های به پایان رسیده است و عصر پیروزی لیبرال دموکراسی فرارسیده است اما این خوش‌بینی دیری نپایید و رقابت قدرت‌های بزرگ در بخش‌های جهان ازجمله آسیای مرکزی از سر گرفته شد. در ابتدا آمریکا تلاش نمود که از طریق وارد نمودن روسیه و بقیه کشورهای تازه استقلال به جامعه جهانی تحت رهبری آمریکا، آنان را دموکراتیزه نماید و زمینه قدرت گیری لیبرال دموکراسی را فراهم نماید. حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و سپس حمله آمریکا و متحدان آن به افغانستان نشان داد که کشورهای آسیای مرکزی تا حدودی باسیاست‌های آمریکا در منطقه کنار آمده‌اند ولی حمله آمریکا به عراق و سپس تلاش‌ها برای راه‌اندازی انقلاب‌های رنگی در گرجستان، قرقیزستان و برخی کشورهای دیگر منطقه، باعث شد که حاکمان آسیای مرکزی، روسیه و چین از این سیاست آمریکا بیشتر احساس تهدید نمایند و درنتیجه سیاست خارجی ضد آمریکا در منطقه تشدید شد که پیایند آن برچیده شدن پایگاه‌های آمریکایی در ازبیکستان و قرقیزستان بود.

تعیین جدول زمانی برای خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و چرخش به سمت شرق آسیا در سیاست خارجی آمریکا، باعث شد که چین سیاست خارجی رو به غرب (آسیای مرکزی) را بیش‌ازپیش موردتوجه قرار دهد. مهم‌ترین استراتژی چین در راستای گسترش نفوذ آن کشور در آسیای مرکزی، ابتکار کمربند و راه است که در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد و اولین سفیر رئیس جمهور شی جین پینگ در این خصوص به قزاقستان بود (Yamaguchi, 2026, p. 10).

اشغال کریمه توسط روسیه و تنش‌های بعدی آن میان روسیه و اروپا، برای چین این فرصت را فراهم نمود که در نبود توجه جدی آمریکا (به خاطر چرخش به شرق آسیا) و گرفتاری روسیه در اوکراین، از فرصت پیش‌آمده حداکثر استفاده را ببرد (Repnikova, 2024; Hennessy, 2023, pp. 567-568). در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ که نگاه نسبتاً دوستانه‌ای در قبال روسیه مخصوصاً شخص پوتین داشت، نگاه کرملین در قبال حضور چین در آسیای مرکزی روی این موضوع

متمرکز بود که حضور چین تا چه اندازه برای منافع روسیه قابل‌تحمل است. مسئله این تحقیق این موضوع است که با توجه به رقابت قدرت‌های بزرگ (روسیه، چین و آمریکا) در آسیای مرکزی، افغانستان از چه جایگاهی در نظم منطقه‌ای آسیای مرکزی برخوردار است؟ به همین دلیل در این مقاله ابتدا سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی و سپس جایگاه افغانستان در نظم منطقه‌ای متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ بررسی می‌شود.

۳. اهمیت تحقیق

اهمیت این تحقیق به دودسته نظری و عملی تقسیم می‌گردد:

الف- اهمیت نظری تحقیق

این تحقیق به لحاظ نظری به‌صورت خاص برای محصلان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ازاین‌جهت اهمیت دارد که افق جدید علمی را برای آنان در خصوص رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی بازمی‌نماید و روندهای انجام‌شده در آن منطق و سناریوی احتمالی را برای آن می‌نمایاند.

ب- اهمیت عملی تحقیق

این تحقیق برای کارگزاران سیاست خارجی افغانستان تصویر دقیق‌تر از جایگاه و اهمیت افغانستان در رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی ارائه می‌نماید تا با استفاده از این چشم‌انداز، رویکرد و اقدامات مقتضی را برای تأمین منافع ملی کشور در قبال این منطقه در پیش بگیرند.

۴. سؤال تحقیق

جایگاه افغانستان در نظم منطقه‌ای متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی چگونه خواهد بود؟

۵. فرضیه تحقیق

وضعیت ثبات یا بی‌ثباتی در افغانستان، رابطه میان رقابت قدرت‌های بزرگ و الگوی نظم امنیتی/اقتصادی در آسیای مرکزی را تعدیل می‌کند؛ به‌طوری‌که بی‌ثباتی در افغانستان رقابت قدرت‌ها را امنیتی‌تر و ثبات در افغانستان، رقابت قدرت‌ها را به سمت تعاملات ژئواکونومیک سوق می‌دهد.

٦. چارچوب نظری

با توجه به ماهیت موضوع رقابت قدرت‌های بزرگ، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی در مقایسه با سایر نظریه‌های مرتبط به این بخش بیشترین تبیین‌کنندگی را دارد. ازاین‌رو در این تحقیق از واقع‌گرایی تهاجمی به‌عنوان چارچوب نظری استفاده‌شده است.

٦,١. اصول کلی واقع‌گرایی تهاجمی

واقع‌گرایی تهاجمی به‌عنوان یکی از نظریه‌های شاخص روابط بین‌الملل، ازجمله نظریه‌های مهم نئورئالیسم ساختاری محسوب می‌شود. مرشایمر در کتاب مشهور خود تحت عنوان «تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ[1] پایه‌های این نظریه را تبیین کرده است. بر اساس دیدگاه مرشایمر در قبال واقع‌گرایی تهاجمی، پنج مفروضه بنیادین نظام بین‌الملل عبارت‌اند از:

الف- آنارشی نظام بین‌الملل

مرشایمر بر این باور است که نظام بین‌الملل دارای ساختار آنارشیک است. به این معنا که هیچ نهاد یا قدرت بالاتری وجود ندارد که بتواند بر رفتار دولت‌ها نظارت و اعمال قدرت کند. این آنارشی به معنای وضعیت جنگی نیست، بلکه نشان‌دهنده فقدان یک مرجع عالی برای ایجاد نظم و اجبار است (Mearsheimer J., 2014, pp. 32-33). در چنین نظامی، بقای هر کشور صرفاً بر عهده خود آن کشور است و این مسئله موجب افزایش بی‌اعتمادی، رقابت، و تلاش برای افزایش قدرت می‌شود (Havercroft & Prichard, 2017, pp. 252-253). به همین دلیل دولت‌ها به‌عنوان بازیگران نظام بین‌الملل تلاش می‌کنند که قدرت خود را افزایش دهند و این تلاش برای افزایش قدرت، خود موجب ناامنی دیگر دولت‌ها می‌شود (Kupchan, 2010, p. 27). این موضوع در قبال تمامی دولت‌ها صدق می‌کند اما قدرت‌های بزرگ با توجه به شعاع وجودی و دایره منافع و امنیت ملی خود، بیش از بقیه تلاش می‌کنند که با افزایش قدرت خود، از امنیت و منافع خود دفاع نمایند.

ب- قابلیت تهاجمی دولت‌ها

تمامی دولت‌ها دارای ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی برای واردکردن آسیب به دیگر کشورها هستند. حتی دولت‌هایی که رویکرد دفاعی دارند نیز از چنین قابلیت‌هایی برخوردارند. این قابلیت‌های تهاجمی شامل قدرت نظامی، اقتصادی، فنّاوری و ابزارهای اطلاعاتی و دیپلماتیک می‌شود. این ویژگی به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا در شرایط خاص، برای تضمین امنیت خود به اقداماتی فراتر از دفاع صرف

[1] The Tragedy of Great Power Politics

روی‌آورند (Mearsheimer, 2021, p. 48). کشورهایی که اقتصاد پیشرفته و بزرگ دارند می‌توانند به‌راحتی به پیشرفت فنّاورانه در عرصه نظامی دست پیدا کنند (Beckley, 2010, p. 53).

ج- عدم قطعیت نسبت به نیات سایر دولت‌ها

از منظر مرشایمر، دولت‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند با اطمینان کامل از نیات دیگر کشورها آگاه شوند. حتی اگر کشوری امروز رفتار صلح‌جویانه‌ای داشته باشد، نمی‌توان مطمئن بود که در آینده نیز به همین مسیر ادامه خواهد داد. به همین دلیل، اعتماد در روابط بین‌الملل، جایگاهی محدود و شکننده دارد. این بی‌اعتمادی ریشه‌ای باعث می‌شود که دولت‌ها همواره در وضعیت آماده‌باش و رقابت باقی بمانند (Mearsheimer J., 2014, p. 32). با توجه به این‌که دولت‌ها نمی‌دانند فردا چه کسانی و با کدام ذهنیت هدایت سیاست خارجی قدرت رقیب را به عهده خواهد داشت، از همین رو بهترین رویکرد ممکن به این وضعیت عدم قطعیت، همانا در پیش‌گیری رویکرد تهاجمی است تا حداکثر امنیت از طریق خودیاری فراهم‌شده باشد (Rosato, 2021, p. 42).

د- اصل بقا

بقا نخستین و مهم‌ترین هدف هر دولت است. بدون تضمین بقا، دستیابی به سایر اهداف ممکن نیست. در چارچوب نظام آنارشیک، هر دولتی خود مسئول امنیت خویش است و به همین دلیل، حفظ بقا به نیروی بازدارندگی و کسب قدرت بیشتر وابسته می‌شود. این اولویت موجب می‌شود که حتی دولت‌هایی با اهداف انسانی یا اقتصادی نیز درنهایت، قدرت را به‌عنوان ابزار اصلی بقا در نظر بگیرند (Kadercan, 2013, p. 1021).

ه- عقلانیت دولت‌ها

در نظریه مرشایمر، دولت‌ها بازیگران عقلانی هستند؛ به این معنا که آن‌ها بر اساس هزینه فایده تصمیم می‌گیرند و برای بیشینه‌سازی منافع خود، استراتژی‌های معقول اتخاذ می‌کنند. البته این عقلانیت به معنای خطاناپذیری نیست بلکه دولت‌ها با اطلاعات محدود، اما با نیت منطقی و هدفمند عمل می‌کنند (Mearsheimer, 2021, p. 48). ریشه ترس دولت‌ها از همدیگر از همین عقلانی بودن آن ناشی می‌شود زیرا دولت با خود محاسبه می‌کند که دولت‌های دیگر ممکن است با افزایش قدرت خود به وی حمله کنند (Golstein & Pevehouse, 2014, p. 76).

۷. پیشینه تحقیق

ایوان زوئنکو (۲۰۲۵) در مقاله‌ای تحت عنوان "فعالیت‌های چین در آسیای مرکزی در پرتو منافع روسیه" به بررسی گسترش نفوذ چین در آسیای مرکزی در حوزه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، آموزش و همکاری نظامی و مقایسه آن بانفوذ روسیه می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه حضور اقتصادی

و تجاری چین در منطقه به‌طور قابل‌توجهی افزایش‌یافته، اما روسیه همچنان در حوزه‌های امنیتی، نظامی و فرهنگی نفوذ مهمی دارد. درنهایت، مقاله نتیجه می‌گیرد که باوجود رقابت محدود، همکاری روسیه و چین در چارچوب سازوکارهایی مانند سازمان همکاری شانگهای می‌تواند برای حفظ ثبات و منافع مشترک در منطقه مفید باشد(Zuenko, 2025) .

بریان جی. کارلسون (۲۰۲۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "آسیای مرکزی در دوران رقابت قدرت‌های بزرگ" توضیح می‌دهد که با کاهش نسبی نفوذ روسیه و غرب در آسیای مرکزی، چین فرصت یافته است حضور اقتصادی، زیرساختی و امنیتی خود را در منطقه گسترش دهد. درعین‌حال، رقابت قدرت‌های بزرگ به‌ویژه میان چین، روسیه و ایالات‌متحده چالش‌های جدیدی برای کشورهای آسیای مرکزی ایجاد کرده است. این کشورها تلاش می‌کنند باسیاست خارجی «چند جهتی» میان قدرت‌ها توازن برقرار کرده و از وابستگی بیش‌ازحد به هر یک از آن‌ها جلوگیری کنند (Carlson, 2023).

الکساندر کولی (۲۰۲۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "نظم‌بخشی بین‌المللی و رقابت قدرت‌های بزرگ: درس‌هایی از آسیای مرکزی" توضیح می‌دهد که رقابت راهبردی میان قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه چین و روسیه، نظم بین‌المللی لیبرال به رهبری ایالات‌متحده را به چالش کشیده و دسترسی آمریکا به پایگاه‌های نظامی خارجی را دشوارتر کرده است. در آسیای مرکزی، چین و روسیه با ایجاد ساختارهای امنیتی، ارائه کمک‌های اقتصادی و حمایت از رژیم‌های اقتدارگرا نفوذ خود را افزایش داده‌اند و حضور نظامی آمریکا را محدود کرده‌اند. درنتیجه، نفوذ ایالات‌متحده در منطقه کاهش‌یافته و کشورهای آسیای مرکزی گزینه‌های بیشتری برای همکاری با قدرت‌های دیگر پیداکرده‌اند. (Cooley A., 2023)

عرفان محمود (۲۰۲٤) در مقاله‌ای تحت عنوان " تحولات دینامیک روابط قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی: چشم‌انداز همکاری، رقابت و منازعه" توضیح می‌دهد که آسیای مرکزی به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی مهم و منابع عظیم انرژی، به صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ مانند ایالات‌متحده، روسیه و چین تبدیل‌شده است که به «بازی بزرگ جدید» معروف است. این رقابت بیشتر بر کنترل منابع انرژی، نفوذ سیاسی و جایگاه راهبردی در اوراسیا متمرکز است و اغلب ماهیتی رقابتی و نزدیک به بازی صفر-جمع دارد. درعین‌حال، در کنار رقابت، برخی زمینه‌های همکاری میان قدرت‌ها به‌ویژه میان چین و روسیه نیز وجود دارد، هرچند این همکاری با بی‌اعتمادی و رقابت پنهان همراه است. درمجموع، آینده آسیای مرکزی به تعادل میان رقابت و همکاری این قدرت‌ها و توانایی کشورهای منطقه در مدیریت این فشارها بستگی دارد(Mahmood A. , 2024) .

گیه کریستوفرسن (۲۰۲۴) در مقاله‌ای تحت عنوان " تفکر راهبردی چین نسبت به آسیای

مرکزی، ۲۰۱۳-۲۰۲۴" نشان می‌دهد که راهبرد چین در آسیای مرکزی از طریق ابتکار کمربند و جاده[1] شکل‌گرفته و هدف آن گسترش پیوندهای اقتصادی، زیرساختی و سیاسی در منطقه است. چین تلاش کرده با دیپلماسی پیرامونی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و نهادهایی مانند سازمان همکاری شانگهای نفوذ خود را افزایش دهد، درحالی‌که هم‌زمان رقابت و هماهنگی با روسیه را مدیریت می‌کند. کشورهای آسیای مرکزی، به‌ویژه قزاقستان، باسیاست خارجی چندجانبه تلاش کرده‌اند از رقابت قدرت‌های بزرگ برای حفظ استقلال و کسب منافع اقتصادی استفاده کنند. درمجموع، باوجود افزایش نفوذ اقتصادی و سیاسی چین، محدودیت‌هایی مانند حساسیت روسیه، استقلال دولت‌های منطقه و ضعف قدرت نرم چین مانع شکل‌گیری کامل یک نظم منطقه‌ای تحت رهبری چین شده است (Christoffersen, 2024).

بکتیبک کاینازاروف (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان "رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی" توضیح می‌دهد که کشورهای آسیای مرکزی از سازمان‌های تحت رهبری چین و روسیه برای متعادل کردن روابط و حفظ استقلال سیاسی خود استفاده می‌کنند، زیرا هر دو قدرت تمایل زیادی به تسلط اقتصادی و سیاسی در منطقه دارند. تجارت چین با منطقه از روسیه پیشی گرفته و نفوذ اقتصادی آن در حال افزایش است، درحالی‌که حضور آمریکا و اتحادیه اروپا محدود به همکاری‌های فرهنگی، آموزشی و کمک‌های توسعه‌ای است. رهبران آسیای مرکزی تغییرات سیاسی غربی مانند دمکراسی و جامعه مدنی را نمی‌پذیرند و بر حفظ سیستم‌های سیاسی موجود تأکیددارند(Kainazarov, 2019) .

الیزابت وی شنیک (۲۰۰۹) در تحقیق تحت عنوان "روسیه، چین و ایالات‌متحده در آسیای مرکزی: چشم‌انداز رقابت و همکاری قدرت‌های بزرگ در سایه بحران گرجستان" توضیح می‌دهد که رقابت آمریکا، روسیه و چین در آسیای مرکزی پیچیده و متأثر از مسائل امنیتی، انرژی و تحولات سیاسی منطقه است. سیاست‌های آمریکا اغلب ناسازگار و تحت تأثیر نیازهای انرژی بوده و اصلاحات دموکراتیک را محدود کرده است. روسیه و چین بر امنیت رژیم‌ها تمرکز کرده‌اند، اما میان خود نیز رقابت اقتصادی دارند که فرصت‌هایی برای آمریکا ایجاد می‌کند. همکاری‌های مشترک در مسائل فراملی مانند تروریسم و قاچاق می‌تواند به ثبات منطقه و تعامل مثبت میان قدرت‌ها کمک کند (Wishnick, 2009).

فابیَن بوسویت و مارچین کاچمارسکی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تحت عنوان " روسیه و چین میان همکاری و رقابت در سطوح منطقه‌ای و جهانی" نشان می‌دهد که تحولات اخیر در روابط روسیه و چین و رقابت آن‌ها با ایالات‌متحده در آسیای مرکزی پیچیده است و نمی‌توان صرفاً آن را به رقابت مستقیم «بازی بزرگ» تفسیر کرد، چون بازیگران محلی و منافع متعدد منطقه‌ای نیز نقش مهمی دارند.

[1] Belt and Road Initiative

رویکردهای سنتی روابط بین‌الملل غالباً به جنبه‌های ژئوپلیتیک و رقابت محور تمرکز دارند و جنبه‌های دیگر مانند نقش فعال کشورهای آسیای مرکزی، تفاوت در منافع و نگرش‌های مسکو و پکن و تأثیر واقعی همکاری‌ها در میدان را کمتر تحلیل کرده‌اند. پژوهش‌های جدیدتر تأکید می‌کنند که کشورهای آسیای مرکزی بازیگران مستقل هستند که سیاست‌های خود را بر اساس منافع متنوع تنظیم می‌کنند و این درک رابطه روسیه و چین را پیچیده‌تر، متغیرتر و فراتر از چارچوب رقابت–همکاری ساده می‌سازد (Bossuyta & Kaczmarski, 2021). مهم ترین نقطه‌ضعف تحقیق‌های فوق، عدم پرداختن به نقش و جایگاه افغانستان در نظم منطقه‌ای آسیای مرکزی است. تحقیق‌های یادشده بیشتر به رقابت قدرت‌های بزرگ و نظم منطقه‌ای آسیای مرکزی پرداخته‌اند و اینکه افغانستان چه تأثیراتی بر استراتژی قدرت‌های بزرگ داشته، پرداخته نشده است.

۸. نوآوری تحقیق

چنانچه در فوق ذکر گردید، تحقیقات انجام بیشتر روی رقابت قدرت‌های بزرگ (به‌عنوان متغیر مستقل) در آسیای مرکزی (به‌عنوان متغیر وابسته) تمرکز کرده‌اند اما تحقیق حاضر علاوه بر رقابت قدرت‌های بزرگ (آمریکا، روسیه و چین) به نقش متغیر تعدیل‌کننده (ثبات و بی‌ثباتی افغانستان) در خصوص نظم منطقه‌ای آسیای مرکزی پرداخته است.

۹. روش تحقیق

در این تحقیق از روش کیفی با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، مقالات علمی، سایت‌ها و گزارش‌های معتبر جمع‌آوری و بر اساس رویکرد توصیفی-تبیینی کاربست شده است. چنان‌که سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی در قالب میزان تجارت، فروش تسلیحات، پایگاه‌های نظامی و میزان روابط دیپلماتیک بررسی و سپس عامل (افغانستان) در نظم منطقه‌ای متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی تبیین شده است.

۱۰. سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی

سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی از زمان استقلال این جمهوریت‌ها شامل سه مرحله اساسی ذیل بوده است:

۱۰،۱. توسعه روابط و حل‌وفصل منازعات مرزی

درواقع گرایی تهاجمی ابتدایی‌ترین هدف دولت بقا است و وقتی یک دولت بقایش را تضمین نمود به دنبال بهبود وضعیت و افزایش قدرت خودمی براید. جمهوری خلق چین پس از فروپاشی شوروی، تلاش نمود که روابط خود را با این جمهوریت‌ها به‌سرعت گسترش دهد و موارد اختلافی مرزی را با این کشورها طی دو سه سال اول استقلال آن جمهوریت‌ها حل‌وفصل نمود. در این دوره چین به تقویت روابط اقتصادی و امنیتی خود با آسیای مرکزی توجه بیشتری نمود زیرا خطر ناامنی و جنگ‌های داخلی آسیای مرکزی ناحیه شمال غربی آن کشور را تهدید می‌نمود (Zuenko, 2025, p. 150; Yazdani, 2021; Strokov, Paramonov, & Stolpovskiy, 2010, pp. 66-68).

۱۰،۲. توسعه دکترین هارمونی

در این دوره که آن را می‌توان از شروع زمامداری هوجینتائو الی به قدرت رسیدن شی جین پینگ دانست، چین تا حد زیادی از ناحیه آسیای مرکزی اطمینان حاصل نموده بود و درعین‌حال قدرت اقتصادی‌اش به‌سرعت در حال تقویت بود و به همین دلیل چین به دنبال استراتژی هماهنگ بین‌المللی بود تا روند توسعه اقتصادی خود را تداوم و بهبود ببخشد (Lin, 2023, p. 39).

۱۰،۳. دیپلماسی قدرت‌های بزرگ

چین در سال ۲۰۱۰ به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شد که رشد اقتصادی آن نزدیک به دورقمی بود(Teather, 2010) .کسب جایگاه دوم در اقتصاد جهانی و پشت سر گذاشتن موفقانه بحران مالی ۲۰۰۸ به آن کشور اعتمادبه‌نفس فزاینده داد تا سیاست خارجی مدعیانه تری را در دوران رهبری شی جین پینگ در پیش بگیرد (Stevens, 2025, p. 1; Yinhong, 2019; CFR, 2026).

تحول شراکت چین در آسیای مرکزی طبق جدول ۱

شماره	کشور	سیر تحول مشارکت
۱	قزاقستان	شراکت استراتژیک (۲۰۰۵) - شراکت استراتژیک جامع (۲۰۱۱) - شراکت استراتژیک جامع دائم (۲۰۱۹)
۲	ازبیکستان	شراکت استراتژیک (۲۰۱۲) -شراکت استراتژیک جامع (۲۰۱۶) - شراکت راهبردی جامع همه‌جانبه (۲۰۲۴)
۳	تاجیکستان	شراکت استراتژیک (۲۰۱۳) - شراکت استراتژیک جامع (۲۰۱۷) - شراکت راهبردی جامع در دوران نوین (۲۰۲۴)
۴	قرقیزستان	شراکت استراتژیک (۲۰۱۳) - شراکت استراتژیک جامع (۲۰۱۸) - شراکت راهبردی جامع در دوران نوین (۲۰۲۳)

۵	ترکمنستان	شراکت استراتژیک جامع (۲۰۱۳) - شراکت راهبردی جامع در دوران نوین (۲۰۲۳)

(Yamaguchi, 2026, p. 3)

اگرچه حضور چین در آسیای مرکزی بر پایه امنیت مرزی در دهه ۱۹۹۰ شکل‌گرفته بود، اما از دهه ۲۰۱۰ تحولی چشمگیر در مقیاس، دامنه و ادغام سیاست‌هایش تجربه کرده است. این تحول از یک سیاست محتاطانه و منفعل که بر ثبات مرزها متمرکز بود به یک استراتژی جامع و فعال که امنیت و اقتصاد را تلفیق می‌کند، نتیجه تعامل پیچیده اولویت‌های داخلی و فشارهای خارجی است. منطق موجود امنیت سین‌کیانگ با اهداف اقتصادی جدید "یک کمربند، یک‌راه"، امنیت داخلی پس از ۲۰۱۴، نگرانی از «انقلاب‌های رنگی» و چارچوب کلی رقابت استراتژیک آمریکا و چین، به‌طور قابل‌توجهی تسریع و تقویت‌شده است.

علی‌رغم گسترش نفوذ اقتصادی و نظامی، چین جای روسیه را به‌عنوان تضمین‌کننده اصلی امنیت منطقه نمی‌گیرد و به‌احتمال‌زیاد چنین قصدی هم ندارد. علاوه بر این، کشورهای آسیای مرکزی خود در شرایطی که مخالفت عمومی با چین محدودیت‌های داخلی ملموسی ایجاد می‌کند، به دنبال سیاست‌های چند جهتی برای حفظ استقلال خود هستند (بهبودی نژاد, ۱۴۰۰, ص. ٦٦; فاطمی نژاد & اسلامی شعبجره, ۱۴۰۱, ص. ۲۱٦).

نتیجه این وضعیت دینامیک پیچیده‌ای است که در آن چین و روسیه در تلاش‌اند نظم منطقه‌ای متناسب با منافع خود را شکل دهند، اغلب از طریق همکاری و مصالحه، درحالی‌که کشورهای آسیای مرکزی با تنوع‌بخشی راهبردی، به دنبال تضمین حاکمیت و توسعه خود هستند (Yamaguchi, 2026).

علاقه‌های چین در آسیای مرکزی شامل امنیت مرزها، مقابله با شورش‌ها، اقتصاد، انرژی و ژئوپلیتیک است. آسیای مرکزی همچنین نقش مهمی در پروژه‌های چین برای اتصال اوراسیا و اروپا دارد و نزدیکی این منطقه باعث می‌شود که ناپایداری‌ها و تهدیدهای امنیتی تأثیر مستقیمی بر خاک چین داشته باشد، بنابراین آسیای مرکزی جزو اجزای مهم سیاست خارجی چین است. با به قدرت رسیدن رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ، چین سیاست خارجی فعال‌تری را پیش گرفت و طرح «یک کمربند، یک‌راه» را اجرا کرد تا روابط خود با کشورهای منطقه را تقویت کند (Simonov, 2025, p. 6). اهمیت فزاینده آسیای مرکزی در سیاست خارجی چین از سال ۲۰۱۳ موجب شد پکن استراتژی‌ای را دنبال کند که شامل تعمیق عدم توازن تجاری، سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌ها و بدهی‌های مرتبط با طرح کمربند و راه باشد و از این طریق اهداف سیاسی خود را در آسیای مرکزی پیش ببرد (Wolff, 2016, p. 3).

در خصوص آسیای مرکزی، چین پیش‌ازاین هم منافع طولانی‌مدتی داشت، ازجمله امنیت،

بازار و انرژی اما پس از اعلام طرح «یک کمربند، یک‌راه در سال ۲۰۱۳، این منطقه اهمیت بیشتری برای چین پیدا کرد (Mukhtar & Cheema, 2025, p. 1). نخست، آسیای مرکزی یکی از مسیرهای اصلی چین برای دسترسی به اوراسیا و فراتر از آن است. اگرچه الگوی سرمایه‌گذاری و علاقه چین تحت طرح کمربند و راه در همه مناطق مشابه است، اما موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک آسیای مرکزی آن را متمایز می‌کند: این منطقه نه‌تنها منابع طبیعی و انرژی غنی دارد، بلکه محل احیای مسیر جاده ابریشم به بازارهای اروپاست و نقش مهمی در بازی بزرگ قدرت‌ها دارد. دوم، تأثیرگذاری بر آسیای مرکزی برای چین با توجه به اهداف جهانی تحت رهبری شی جین‌پینگ حیاتی است ولی پروژه کمربند و جاده در آسیای مرکزی مانند سایر بخش‌های جهان با چالش حاکمیتی روبرو شده است و برخی دولت‌ها مانند قزاقستان برخی این پروژه‌ها را مغایر حاکمیت و امنیت ملی خود تشخیص داده‌اند (Thang & Kiet, 2023, p. 341). چین، به‌ویژه تحت رهبری شی، از توصیه مشهور دنگ شیائوپینگ برای «پایین نگه‌داشتن سطح فعالیت‌ها» دست کشیده و سیاست خارجی قوی‌تری دنبال می‌کند. چین در سیاست بزرگ خود اهدافی منحصربه‌فرد دنبال می‌کند که تجربه تاریخی خاص آن را بازتاب می‌دهد و بقا و رهبری حزب کمونیست چین اولویت اصلی این استراتژی است. بنابراین، حفظ نفوذ در آسیای مرکزی برای جلوگیری از تهدید احتمالی به سیستم سیاسی داخلی چین نیز اهمیت دارد.

چین از ژئواکونومی به‌عنوان ابزار اصلی برای دستیابی به منافع خود در آسیای مرکزی استفاده می‌کند. در ژئواکونومی، ابزارهایی مانند تحریم‌های تجاری، محدودیت سرمایه، جلوگیری از دسترسی به منابع طبیعی، و سایر اقدامات غیرنظامی برای فشار اقتصادی به کار گرفته می‌شوند. با اجرای طرح کمربند و راه، چین سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک در پروژه‌های موردعلاقه انجام داده، کسری تجاری با کشورهای آسیای مرکزی افزایش‌یافته و بدهی‌های آن‌ها به چین بالا رفته است. به‌این‌ترتیب، چین نفوذ استراتژیک و سیاسی خود در این کشورها را افزایش داده و حضور روزافزونش در منطقه معادله نظم منطقه‌ای را تغییر داده است (Thang & Kiet, 2023, p. 335; Mukhtar & Cheema, 2025, p. 5). چین به‌عنوان ابرقدرت جدید منطقه‌ای ظاهرشده و قدرت اقتصادی روسیه دیگر با چین برابر نیست، ضمن آنکه خروج نظامی آمریکا از افغانستان باعث شده است چین توانایی رهبری منطقه‌ای خود را نشان دهد و جاه‌طلبی‌های جهانی خود را پیش ببرد. همچنین، هرچند چین وعده عدم دخالت در امور داخلی کشورها را داده و از ایجاد اتحادهای نظامی خودداری می‌کند، اما به دلیل همکاری با دولت‌های ملی در امنیت مرزها، مبارزه با تروریسم و مدرنیزه‌سازی تجهیزات نظامی، به‌تدریج در نقش تأمین امنیت برای پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خود کشیده می‌شود. هدف شی جین‌پینگ بازگرداندن چین به جایگاه طبیعی، مشروع و تاریخی‌اش به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت آسیا

است (Thang & Kiet, 2023, p. 329). این به معنای جایگزینی چین به‌جای آمریکا به‌عنوان تنها ابرقدرت جهان نیست، اما به این معنی است که آسیا باید در حیاط‌خلوت خود حکم‌فرما باشد. دیپلماسی اقتصادی چین به دنبال توسعه ساختاری مدرن شبیه سیستم خراج‌گزاری است که همه مسیرها به پکن ختم می‌شود و آسیای مرکزی به‌عنوان جغرافیای گذر این مسیر عمل می‌کند (Aryal, 2021, p. 751).

طرح «یک کمربند، یک‌راه به‌طور آشکار فعالیت‌های اقتصادی را در قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان افزایش داده و همچنین بر روابط چین و پاکستان تأثیر گذاشته است. بااین‌حال، موانع اصلی تجارت بین پاکستان و آسیای مرکزی، ناپایداری در افغانستان، نبود شبکه‌های حمل‌ونقل و ادغام کم منطقه‌ای است (Yi Qu & Peng, 2024, p. 147). سرمایه‌گذاری اخیر چین در اقتصاد افغانستان و تمایل پاکستان برای توسعه پروژه کریدور اقتصادی چین و پاکستان به افغانستان، امید زیادی برای تسهیل تجارت ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد که مشارکت سازنده چین هدفش بهبود اقتصاد و زیرساخت‌های کشورهای هم‌مرز خود است که این امر، ادغام مناطق آسیای مرکزی و جنوبی را تسهیل خواهد کرد.

پروژه‌های کمربند و راه فرصت‌هایی را برای جمهوری‌های آسیای مرکزی فراهم کرده‌اند تا از منابع طبیعی خود، به‌ویژه هیدروکربن‌ها، بهره‌برداری کنند (Karami & Mozaffari Falarti, 2026, p. 9). همه این کشورها اهمیت بهره‌گیری از مسیرهای جدید برای صادرات منابع هیدروکربنی به بازارهای بین‌المللی را درک کرده‌اند. برای پاکستان نیز انتظار می‌رود که چشم‌اندازهای جدید تجاری در منطقه وسیع‌تر اوراسیا فراهم شود و همکاری مردم با مردم به‌تدریج به همکاری‌های منحصربه‌فرد در زمینه تجارت منجر شود. پروژه اخیر راه‌آهن پاکستان-افغانستان-ازبکستان که پیشاور (پاکستان) را از طریق کابل و مزار شریف (افغانستان) به ترمز (ازبکستان) متصل می‌کند بدون شک جمهوری‌های آسیای مرکزی را به پاکستان نزدیک‌تر خواهد کرد (Yi Qu & Peng, 2024, p. 139; Wani, 2025).

انتظار می‌رود پروژه‌های کمربند و راه منجر به ادغام گسترده‌تر مناطق آسیای جنوبی و مرکزی شود، به شکل شبکه‌های فیزیکی و حمل‌ونقل زیرساختی که کشورهای منطقه منابع کافی برای ایجاد آن‌ها ندارند. وقتی پاکستان به‌خوبی با جمهوری‌های آسیای مرکزی متصل شود، می‌تواند در گسترش بیشتر دسترسی خود و بهره‌برداری از ظرفیت‌های بازار روسیه نیز نقش ایفا کند. ارتقای پروژه خط آهن اصلی ۱ در پاکستان توسط جمهوری‌های آسیای مرکزی به‌عنوان فرصت بزرگی برای افزایش تجارت بین‌المللی خود دیده می‌شود. افزایش ارتباط منطقه‌ای همچنین به توسعه مسئولیت مشترک برای حل بحران افغانستان کمک خواهد کرد که این امر به‌نوبه خود انتظار می‌رود به توسعه کل منطقه، به‌ویژه

پاکستان، کمک شایانی کند (Hussain, 2026; Mahmood F. , 2025).

ازآنجاکه طرح کمربند و راه عمدتاً به‌عنوان ابزاری برای ایجاد همکاری اقتصادی میان کشورهای منطقه عمل می‌کند، به‌زودی حفظ صلح و ثبات به‌عنوان مسئولیت مشترک همه اعضا در راستای حفاظت از منافع متقابل آن‌ها در نظر گرفته خواهد شد؛ بنابراین، کشورها تلاش خواهند کرد تا از زیرساخت‌ها به بهترین شکل استفاده کنند و بازپرداخت‌ها، هر عضو را مسئول قرار می‌دهد تا بهترین تلاش خود را برای موفقیت طرح کمربند و راه انجام دهد. رویکرد واقع‌گرایانه همچنین موجب همکاری‌های فنی خواهد شد. در پرتو این پدیده پیش‌بینی‌شده، پاکستان نیاز دارد درک کند که پیوندهای مذهبی و فرهنگی با جمهوری‌های آسیای مرکزی کافی نیست و باید در ابعاد اقتصادی، فنی و علمی نیز در تعامل با آن‌ها تلاش کند (Rauf & Saud, 2021, p. 63). با توجه به اینکه چین در تلاش است که جایگاه جهانی خود را به قیمت کاهش جایگاه آمریکا تقویت نماید، این کشور اخیراً در مقیاس جهانی تلاش نموده است که با ایجاد سازوکارهای امنیتی مانند ابتکار امنیت جهانی[1] در مناطق و کشورهای غیر دموکراتیک مانند آسیای مرکزی از جذابیت خاص برخوردار است (Tanaka, 2026, p. 17). از دید واقع‌گرایی تهاجمی، چین مانند هر قدرت بزرگ دیگر به دنبال هژمونی منطقه‌ای و سپس جهانی است و از همین رو آسیای مرکزی با توجه به هم‌جواری خود با چین از اهمیت ویژه برخوردار است و تمام اقدامات چین در سال‌های اخیر مخصوصاً در دوره شی جین پینگ از این دید قابل تبیین است.

۱۱. سیاست خارجی آمریکا در قبال آسیای مرکزی

سیاست خارجی آمریکا از ۱۹۹۰ به بعد در قبال آسیای مرکزی فراز و فروز زیاد داشته است و این تغییرات بیشتر ناشی از جهان‌بینی رؤسای جمهور آن کشور و تغییرات در جایگاه جهانی رقبای آمریکا مخصوصاً چین و روسیه بوده است(Tsereteli, 2025) که می‌توان آن را به دوره‌های زیر تقسیم نمود:

۱۱,۱. دهه ۱۹۹۰ (پس از استقلال)

تمرکز اولیه بر ایجاد روابط دیپلماتیک، عدم اشاعه هسته‌ای (به‌ویژه در قزاقستان) و ترویج اقتصاد بازار بود (Zakiyeva, 2025, p. 9).

۱۱,۲. از ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۵ (پس از ۱۱ سپتامبر)

منافع راهبردی و نظامی به اوج رسید و آمریکا برای حمایت از عملیات در افغانستان پایگاه‌های نظامی

[1] Global Security Intiative

ایجاد کرد (مانند مناس در قرقیزستان و قرشی-خان‌آباد در ازبکستان)(Inagaki, 2026, p. 5) .

۱۱,۳. از ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۴ (تغییر راهبردی)

در این دوره آمریکا ابتدا تلاش نمود که از طریق حمایت از انقلاب‌های رنگی در بخش‌های عمده قلمروهای شوروی سابق اعم از آسیای مرکزی و اروپای شرقی، دولت‌های طرفدار غرب در قالب لیبرال دموکراسی ایجاد نماید ولی این تلاش‌ها با مقاومت شدید دولت‌های آسیای مرکزی، روسیه و چین روبرو شد (بهبودی نژاد, ۱۴۰۰؛ (Wilson, 2010 و درنهایت آمریکا از سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۴ در تلاش برای حفظ وضع موجود در روابط آمریکا با کشورهای آسیای مرکزی بود.

۱۱,۴. دوره عدم توجه از ۲۰۱۶ الی ۲۰۲۰

آمریکا در بحبوحه خروج از افغانستان در تلاش بود که در آسیای مرکزی مخصوصاً ازبیکستان و قرقیزستان پایگاه نظامی داشته باشد ولی دولت‌های آسیای مرکزی با توجه به سابقه حمایت آمریکا از انقلاب‌های رنگی، به این مسئله علاقه‌مندی نشان ندادند و علاوه بر این، نفوذ گسترده روسیه و چین نیز در مخالفت آن کشورها بی‌تأثیر نبود. وقتی آمریکا پس از خروج نیروهای جنگی خود از افغانستان، نتوانست در آسیای مرکزی پایگاه داشته باشد، در زمان ریاست جمهوری اول ترامپ آسیای مرکزی تا حد زیادی از حوزه علاقه سیاست خارجی آن کشور خارج شد (Starr, 2023, pp. 22-23).

۱۱,۵. دوره رقابت استراتژیک از ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۵

طرح کمربند و جاده چین که از ۲۰۱۳ به بعد در آسیای مرکزی با جدیت تمام جریان دارد، برای استراتژیست های آمریکایی دوره جو بایدن به‌عنوان تهدید سیستمیک تلقی می‌شد و ازاین‌رو تلاش نمودند که روابط آمریکا و آسیای مرکز دوباره بهبود پیدا نماید تا از این طریق بتوانند روزافزون چین مقابله نمایند و در عین جلو نفوذ رو به افزایش روسیه را بگیرد (Leksyuntina, 2025; Läänemets, 2026, pp. 13-15). سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی با چالش‌های عمده مانند موارد زیر روبر است:

۱) **ژئوپلیتیک:** ایجاد توازن در روابط چین و آسیای مرکزی درحالی‌که میان نفوذ اقتصادی چین و نفوذ امنیتی روسیه رقابت می‌شود (Tanaka, 2026, p. 224).

۲) **حقوق بشر:** مدیریت تنش میان ترویج ارزش‌های دموکراتیک و همکاری با حکومت‌هایی که اغلب اقتدارگرا هستند.

۳) **فاصله جغرافیایی:** محدودیت‌های ناشی از دوری جغرافیایی که نیازمند اتکا به شرکای

منطقه‌ای برای دستیابی به ثبات بلندمدت است (Zakiyeva, 2025, p. 6).

۱۲. سیاست خارجی روسیه در آسیای مرکزی از ۱۹۹۰ الی ۲۰۲۵

سیاست خارجی روسیه در قبال آسیای مرکزی در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۵ از بی‌توجهی پساشوروی به نگاه به این منطقه به‌عنوان «خارج نزدیک» حیاتی و با اولویت بالا تحول‌یافته است. مسکو بر حفظ امنیت منطقه‌ای از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی و یکپارچگی اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کاهش نفوذ بازیگران خارجی تمرکز دارد و درعین‌حال تلاش می‌کند میان‌برتری امنیتی خود و نفوذ اقتصادی روبه رشد چین توازن برقرار کند (Omelicheva, 2018, p. 330). تحول سیاست خارجی روسیه در قبال کشورهای آسیای مرکزی در سه دهه گذشته به شکل زیر است:

۱۲,۱. دهه ۱۹۹۰: بی‌توجهی و بازگشت تدریجی

در ابتدا روسیه آسیای مرکزی را به‌عنوان باری اقتصادی و غیرضروری تلقی می‌کرد؛ اما در اواخر دهه ۹۰، با افزایش نگرانی‌ها درباره بی‌ثباتی ناشی از افغانستان و مسائل امنیتی منطقه‌ای، دوباره به این منطقه بازگشت. در میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی روسیه با موضوعات امنیتی در قفقاز شمالی روبرو شد که ریشه و محرک برخی از این تهدید از افغانستان ناشی می‌شد و روسیه در اواخر ۱۹۹۰ مجبور شد که برای جلوگیری از تهدیدات بیشتر، آسیای مرکزی را نادیده نگیرد و از روی ناگزیری هزینه‌های مالی حضور نظامی خود را متقبل شود (Omelicheva, 2018).

۱۲,۲. دهه ۲۰۰۰: تمرکز بر امنیت و قدرت نرم

پس از حملات ۱۱ سپتامبر و واقعه اندیجان در سال ۲۰۰۵، روسیه جایگاه خود را به‌عنوان شریک اصلی امنیتی برای بیشتر کشورهای آسیای مرکزی تثبیت کرد. در این دوره، مسکو امنیت را از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی در اولویت قرارداد و هم‌زمان ابتکارات قدرت نرم را گسترش داد (Paramonov & Strokov, 2008; Silvan, 2021).

۱۲,۳. از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵: موازنه ژئوپلیتیکی و رقابت جهانی

روسیه تلاش‌های خود برای یکپارچگی منطقه‌ای را از طریق اتحادیه اقتصادی اوراسیا افزایش داد تا وابستگی اقتصادی کشورهای منطقه به چین را مهار کند. پس از جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲، روسیه با فشار بیشتری برای حفظ نقش خود به‌عنوان تضمین‌کننده امنیت مواجه شد، درحالی‌که منافع برخی کشورهای آسیای مرکزی با مسکو در مواردی متفاوت شده و این کشورها به سمت سیاست خارجی

«چندجانبه گرا» حرکت کرده‌اند(Silvan, 2021) . قزاقستان اولین جمهوری آسیای مرکزی بود که به‌سوی سیاست خارجی چندجانبه روی آورد و سپس بقیه جمهوری‌ها به‌جز ترکمنستان به این سیاست روی آوردند. این رویکرد برای کشورهای آسیای مرکزی درواقع تلاش برای رهایی از هژمونی روسیه در نظر گرفته‌شده است اما تطبیق آن برای کشورهای آسیای مرکزی محدودیت‌های زیادی به همراه دارد (Nasibov, 2025; Saito, 2026, p. 18). به‌صورت کلی جنبه‌های کلیدی سیاست خارجی روسیه در آسیای مرکزی شامل موارد زیر است؛

۱) **تضمین‌کننده امنیت:** روسیه با حفظ پایگاه‌های نظامی (مانند تاجیکستان و قرقیزستان) و به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی تسلیحات، نقش مهمی در امنیت مرزی و نظامی منطقه دارد (بهبودی نژاد, ۱۴۰۰, ص. ٦٥; فاطمی نژاد & اسلامی شعبجره, ۱۴۰۱, ص. ۲۲۴).

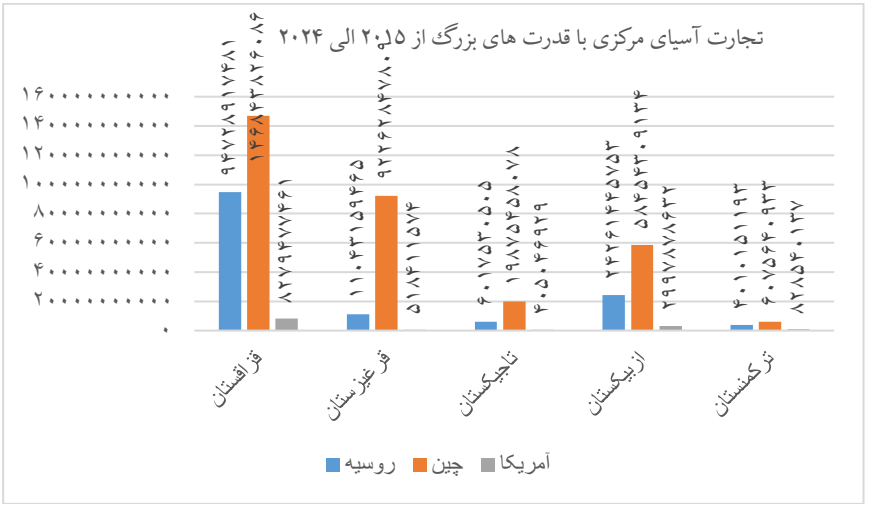
۲) **نفوذ اقتصادی:** ابزارهایی مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا و مهاجرت نیروی کار نقش کلیدی دارند، هرچند روسیه با رقابت شدید سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی چین روبه‌رو است (بهبودی نژاد, ۱۴۰۰, ص. ۵۳).

۳) **موازنه با شرکای چندجانبه گرا:** درحالی‌که روسیه در حوزه امنیتی برتری دارد، با چالش نفوذ اقتصادی چین، تمایل کشورهای آسیای مرکزی برای تعامل با ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا و رویکرد تک‌روی برخی کشورها مانند ازبیکستان مواجه است (Inagaki, 2026, p. 5).

۱۳. مقایسه سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ

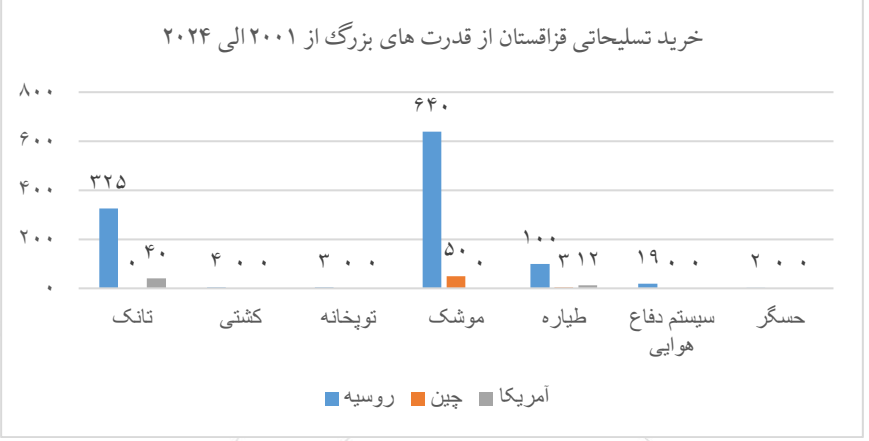
در این بخش، سیاست خارجی آمریکا، روسیه و چین در آسیای مرکزی در حوزه ذیل مقایسه می‌شود.

۱۳,۱. حوزه تجارت از سال ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۴

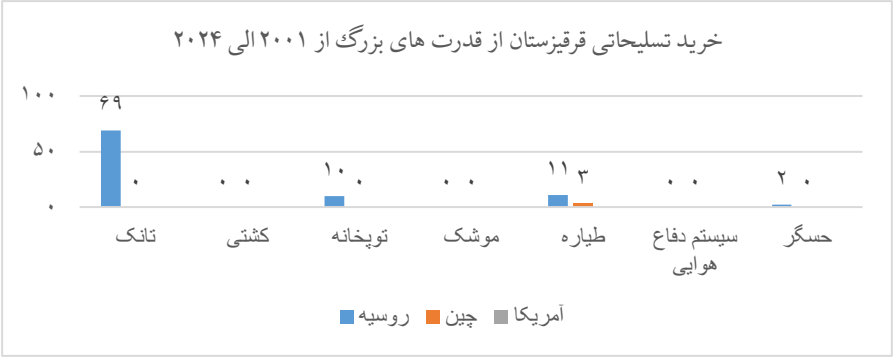


(UNCT, 2026)

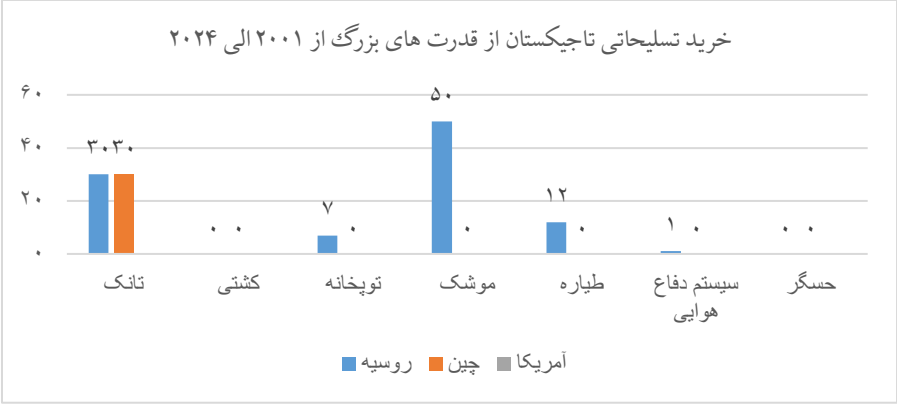
۱۳,۲. خرید تسلیحاتی آسیای مرکزی از قدرت‌های بزرگ از ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۴



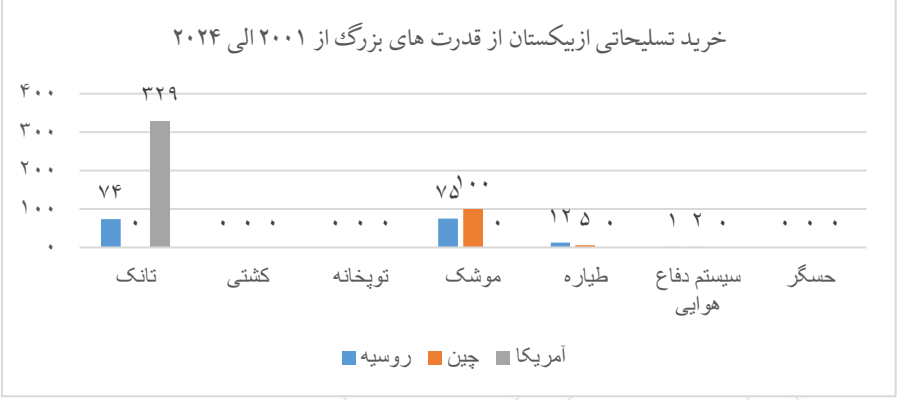
(sipri, 2026)



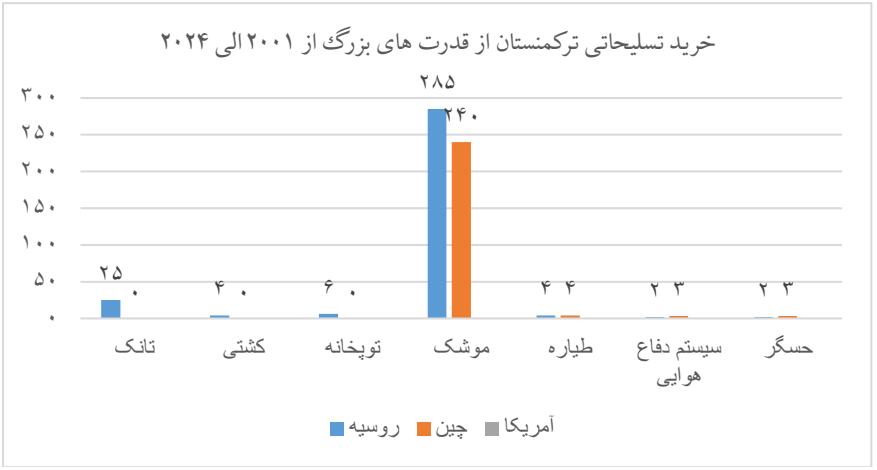
(sipri, 2026)



(sipri, 2026)

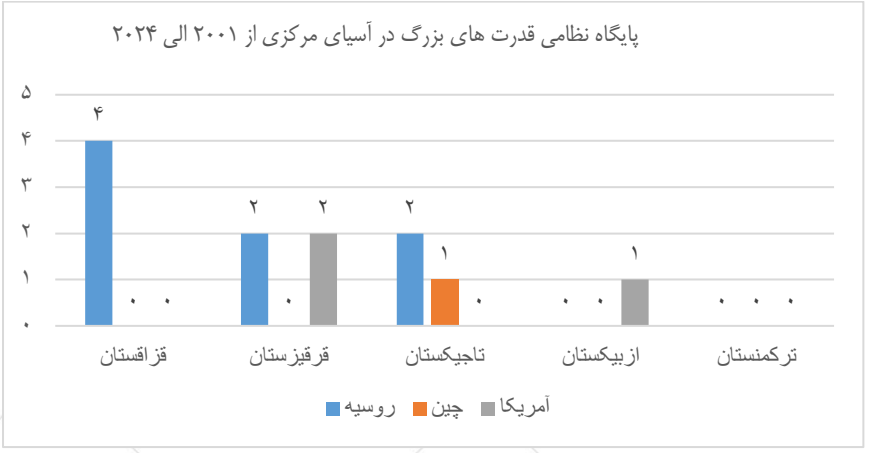


(sipri, 2026)



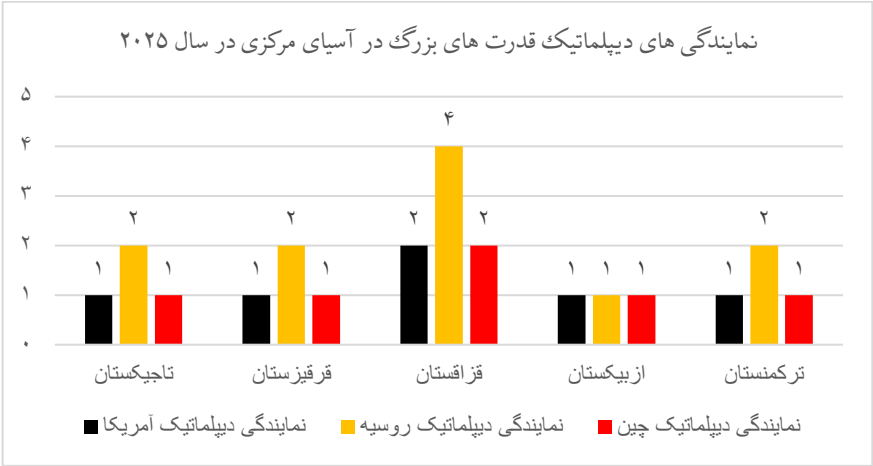
(sipri, 2026)

۱۳,۳. در حوزه پایگاه نظامی قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی



(Szalkai, 2020; Larson & Cooley, 2025; Trenin, 2021; Sato, 2026; Sidhu, 2024)

۱۳,۴. در حوزه نمایندگی دیپلماتیک و کنسولی قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی



(Lowy Institute, 2026)

۱۴. بحث و استدلال

با توجه به ابعاد سیاسی، نظامی و امنیتی، اقتصاد و دیپلماتیک سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ مانند روسیه، آمریکا و چین در آسیای مرکزی می‌توان استدلال نمود که طی سی سال گذشته نظم منطقه‌ای در آسیای مرکزی حاکم است که روسیه در بحث امنیتی و نظامی نقش بسیار برجسته دارد اما در حوزه اقتصادی چین در قالب ابتکار کمربند و راه در آسیای مرکزی نقش مسلط به دست آورده است و آمریکا در مقایسه با روسیه و چین در آسیای مرکزی از نقش محدودتری برخوردار است که بیشتر در بعد نهادی و تکنولوژیکی است.

با توجه به آمار و ارقامی که ارائه شد بر اساس دیدگاه جان مرشایمر در محیط انارشیک بین‌المللی (مطالعه موردی آسیای مرکزی) قدرت‌های بزرگ به دنبال بیشینه‌سازی قدرت خود هستند تا نقش هژمونیک به دست بیاورند اما واقعیت‌ها نشان می‌دهد که روسیه صرفاً در بعد نظامی تا حدودی نقش مسلط خود را حفظ کرده است ولی در حوزه‌های اقتصادی و تکنولوژیکی میدان را به چین و آمریکا واگذار نموده است. ازاین‌رو می‌توان گفت نظم منطقه‌ای آسیای مرکزی در آینده نزدیک در قالب چندقطبی نامتوازن اعم از قدرت‌های تأثیرپذیر (قزاقستان، قرقیزستان، ازبیکستان، تاجیکستان و ترکمنستان) و هم قدرت‌های بزرگ تأثیرگذار مانند روسیه، چین و آمریکا تداوم خواهد یافت و به نظر نمی‌رسد که یک قدرت واحد بتواند نقش مسلط را تمامی حوزه‌ها به دست بیاورند. با توجه به انارشیک بودن نظام بین‌الملل و به‌تبع آن آسیای مرکزی، قدرت‌های بزرگ برای بیشینه کردن قدرت خود از هر

ابزاری استفاده می‌کنند تا رقبای خود را به حاشیه براند و خود به هژمون ابتدا منطقه‌ای و سپس جهانی تبدیل شود اما روند فعلی رقابت قدرت در آسیای مرکزی در کوتاه‌مدت چشم‌انداز مشخص در خصوص تسلط هژمونیک هیچ‌یک از قدرت‌های بزرگ نشان نمی‌دهد و به‌تبع آن نظم منطقه‌ای چندجانبه کماکان به کار خود ادامه خواهد داد.

۱۵. یافته‌های تحقیق در خصوص جایگاه افغانستان در نظم منطقه‌ای آسیای مرکزی

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به نقش غالب قدرت‌های بیرونی در آسیای مرکزی مفهوم نظم منطقه‌ای که در آن بازیگران کلیدی کشورهای (آسیای مرکزی) باشد شکل نگرفته است بلکه آنان روابط داخلی و بیرونی‌شان را بر اساس میزان نفوذ قدرت‌های بزرگ تنظیم نموده‌اند. بررسی سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی طی سه دهه گذشته نشان می‌دهد که ثبات و بی‌ثباتی افغانستان نقش مهم در جهت‌گیری‌های قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی داشته است. هرزمانی که افغانستان دچار بی‌ثباتی شده است، رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی بیشتر رویکرد امنیتی-نظامی پیداکرده است و هرزمانی که افغانستان از آرامش نسبی برخوردار شده است این رقابت‌ها ماهیت ژئواکونومیکی به خود گرفته است. بر این اساس می‌توان گفت ثبات یا بی‌ثباتی افغانستان در نظم منطقه‌ای متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده و جهت دهنده سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در آن منطقه نقش بازی نموده است.

۱۶. نتیجه‌گیری

با توجه به سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی از زمان استقلال کشورهای آن منطقه در اوایل دهه ۱۹۹۰، سیاست خارجی روسیه در ابتدا افت شدید نشان داد و میدان را برای قدرت‌های بیرونی مانند آمریکا فراهم نمود اما با تغییر رهبری در کرملین و سپس وقوع انقلاب رنگی در کشورهای هم‌جوار روسیه، کرملین سیاست خارجی فعال خود را در آسیای مرکزی در پیش گرفت و نقش مسلط خود را بازیافت اما بحران اوکراین در ۲۰۱۴ و سپس ۲۰۲۲ زمینه را برای ورود فعال چین در آسیای مرکزی فراهم نمود.

آمریکا در آسیای مرکزی سیاست خارجی منسجم و ممتد را ادامه نداده است بلکه به‌صورت مقطعی در قبال کشورهای آسیای مرکزی عمل نموده است. با توجه به روند جاری نظم منطقه آسیای مرکزی به‌صورت چندقطبی ادامه خواهد یافت و فرضیه این تحقیق (نقش تعدیل‌کننده ثبات/بی‌ثباتی افغانستان در جهت‌گیری قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی) تائید می‌شود زیرا بررسی داده‌های

سی‌ساله سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ نشانگر این موضوع است که هرزمانی افغانستان از ثبات نسبی برخوردار بوده است رویکرد قدرت‌های بزرگ ماهیت اقتصادی به خود گرفته است و بی‌ثباتی افغانستان موجب تقویت رویکرد نظامی-امنیتی این قدرت‌ها در آسیای مرکزی شده است. به‌عنوان نمونه در دهه ۱۹۹۰ میلادی با توجه به وضعیت داخلی افغانستان، قدرت‌های بزرگ اقداماتشان را در آسیای مرکزی امنیت محور ترسیم کرده بودند ولی با فراهم شدن ثبات نسبی در ۲۰۰۳ به بعد، اقدامات قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی ماهیت اقتصادی به خود گرفت که نشانگر اهمیت ثبات/بی‌ثباتی افغانستان در نظم منطقه‌ای آسیای مرکزی متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ است.

منابع

۱. بهبودی نژاد, ق. (۱۴۰۰). منطقه‌گرایی و همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی. *فصلنامه روابط خارجی, ۱۳* (۱), ۷۶-۴۳.

۲. فاطمی نژاد, س., & اسلامی شعبجره, ر. (۱۴۰۱). چین، هند و نظم منطقه‌ای در آسیای مرکزی؛ آزمونی برای مدیریت قدرت‌های بزرگ. *مطالعات اوراسیای مرکزی*, ۲۰۵-۲۲۸.

3. Aminjonov, F., Abylkasymova, A., Aimée, A., Eshchanov, B., Moldokanov, D., Overland, I., & Vakulchuk, R. (2019). *BRI in Central Asia: Overview of Chinese Projects.* Bishkek: OSCE Academy in Bishkek. Retrieved from https://osce-academy.net/upload/file/20_BRI_in_Central_Asia.pdf
4. Aryal, S. (2021). Central Asia Region in China's Foreign Policy after 2013: A Geoeconomics Study. *Herald of the Russian Academy of Sciences*, 743–753. doi: 10.1134/S1019331621060149
5. Beckley, M. (2010, Febuary). Economic Development and Military Effectiveness. *The Journal of Strategic Studies, 33*(1), 43–79. doi:10.1080/01402391003603581
6. Bossuyta, F., & Kaczmarski, M. (2021). Russia and China between cooperation and competition at the regional and global level. *Eurasian Geography and Economics, 6*(5), 539–556. doi:0.1080/15387216.2021.2023363
7. Carlson, B. (2023). *Central Asia in an Era of Great-Power Rivalry.* Zürich: Center for Security Studies (CSS), ETH Zürich. Retrieved from https://ethz.ch/content/dam/ethz/special-interest/gess/cis/center-for-securities-studies/pdfs/CSSAnalyse327-EN.pdf
8. CFR. (2026, April 17). *China's Approach to Global Governance*. Retrieved from Council on Foreign Relations: https://www.cfr.org/china-global-governance/
9. Christoffersen, G. (2024). *China's Strategic Thinking toward Central Asia, 2013-2024.* Seoul: THE ASAN INSTITUTE FOR POLICY STUDIES. Retrieved from https://theasanforum.org/chinas-strategic-thinking-toward-central-asia-2013-2024/
10. Cooley A. (2023). *International Ordering and Great Power Competition: Lessons from Central Asia.* Washington, D.C.: Brookings. Retrieved from https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2023/02/FP_20230207_central_asia_basing_cooley.pdf
11. Golstein, J., & Pevehouse, J. (2014). *International Relations* (9th ed.). New York: PEARSON.
12. Havercroft, J., & Prichard, A. (2017). Anarchy and International. *Journal of International Political Theory, 13*(3), 252-265. doi:10.1177/1755088217719911

13. Hauner, M. (1982). Afghanistan between the Great Powers, 1938 - 1945. *International Journal of Middle East Studies, 14*(4), 481-499. Retrieved from https://www.jstor.org/stable/162977
14. Hennessy, A. (2023). The impact of Russia's war against Ukraine on Sino-European relations. *JOURNAL OF EUROPEAN INTEGRATION, 45*(3), 559-575. doi:10.1080/07036337.2023.2201497
15. Hussain, T. (2026, Feb 28). *Central Asia's plan to bypass Russia and Iran? Railways through Afghanistan and Pakistan*. Retrieved from South China Morning Post: https://www.scmp.com/week-asia/economics/article/3344798/central-asias-plan-bypass-russia-and-iran-railways-through-afghanistan-and-pakistan
16. Inagaki, F. (2026). China and other major powers in Central Asia: strategies, initiatives, and partnerships in a changing security landscape. *JOURNAL OF CONTEMPORARY EAST ASIA STUDIES*, 1-8. doi:10.1080/24761028.2026.2655526
17. Jenkins, J. (2016). Iran in the Nazi New Order, 1933–1941. *Iranian Studies, 49*(5), 727-751. doi:10.1080/00210862.2016.1217636
18. Kadercan, B. (2013). Making sense of survival: refining the treatment of state preferences in neorealist theory. *Review of International Studies, 39*(4), 1015-1037. doi:10.1017/S0260210512000538
19. Kainazarov, B. (2019). Competition of world powers in Central asia. *Polish academy of Science*, 67-77. doi:10.14746/pp.2019.24.2.5
20. Karami , J., & Mozaffari Falarti, M. (2026). Inter-regionalism and strategic adaptation in Central Asia: economic development and geopolitical resilience in a multipolar order. *Central Asian Survey*, 1-23. doi:10.1080/02634937.2026.2629585
21. Klein, I. (1971). The Anglo-Russian Convention and the Problem of Central Asia, 1907–1914. *Journal of British Studies, 11*(1), 126-147. doi:10.1086/385621
22. Kupchan, C. A. (2010). *How Enemies Become Friends.* Princeton University Press.
23. Läänemets, M. (2026). The Sino-Russian strategic partnership: historical background and current state. *JOURNAL OF CONTEMPORARY EAST ASIA STUDIES*, 1-26. doi:10.1080/24761028.2026.2653424
24. Larson, E., & Cooley, A. (2025, March 14). *Military Base Timeline of Aentral Asia*. Retrieved from Harriman Institute at Columbia University: hhttps://harriman.columbia.edu/central-asia-military-base-timeline/#
25. Lee, J. (2018). *AFGHANISTAN: A History from 1260 to the Present.* London: Reaktion Books.

26. Leksyuntina, Y. (2025). Current U.S. Policy in Central Asia: From the First to the Second D. Trump Administration. *Russian Academy of Science*(12), 18-29. doi:10.7868/S3034604525120025
27. Lin, L. (2023). Chinese Politics since Hu Jintao and the Origin of Xi Jinping's Strongman Rule: A New Hypothesis. *Texas National Security Review, 6*(4), 37-76. doi:10.26153/tsw/48844
28. Lowy Institute. (2026, 3 16). *Global Diplomacy Index*. Retrieved from Lowy Institute: https://globaldiplomacyindex.lowyinstitute.org
29. Mahmood, A. (2024). Changing Dynamics of Great Power Relations in Central Asia: Prospects of Cooperation, Competition and Conflict. *Journal of Professional Research in Social Sciences, 11*(1), 182-195. doi:10.58932/MULA0026
30. Mahmood, F. (2025). *ML1 Prpject of CPEC and Pakistan's Conectivity with Central Asia Through Rail and Road.* Islamabad: Pakistan Institute for Parliamentary Services. Retrieved from https://www.pips.gov.pk/wp-content/uploads/2024/09/Briefing-Paper-No.-5-CPEC-AND-ML1-project.pdf
31. Mearsheimer J., J. (2014). *The Tragedy of The Great Power Politics.* New York: W. W. Norton & Company.
32. Mearsheimer, J. (2021). America, China and the Tragedy of Great-Power Politics. *Foreign Affairs, 100*(6), 48-58.
33. Mukhtar , A., & Cheema, N. (2025). China's Global Energy Strategy: A Case Study on its Power Dynamics with Central Asian States". *Journal of Politics and International Studies, 11*(2), 1-21. Retrieved from https://jpis.pu.edu.pk/45/article/view/1398/1392
34. Nasibov, M. (2025, September 14). *The Limits of Central Asia's Multi-Vector Foreign policy*. Retrieved from The Hague Research Institute for Eastern Europe, the South Caucasus & Central Asia: https://hagueresearch.org/the-limits-of-central-asias-multi-vector-foreign-policy/
35. Omelicheva, M. (2018). Russian Foreign Policy in Central Asia. In P. Tsygankov, *Handbook of Russian Foreign Policy* (pp. 325-337). London and New York: Routledge.
36. Paramonov, V., & Strokov, A. (2008). *The Evolution of Russia's Central Asia Policy.* Swindon: Defence Academy of the United Kingdom. Retrieved from https://www.files.ethz.ch/isn/92594/08-june.pdf
37. Rauf, S., & Saud, A. (2021). Belt and Road Initiative in Central Asia and its Implications for Pakistan. *Journal of International Peace & Stability, 4*(2), 52-67. doi:10.37540/njips.v4i2.95
38. Repnikova, M. (2024, April 17). *Why China stands to benefit from ambiguity on Crimea*. Retrieved from East Asia Forum:

https://eastasiaforum.org/2014/04/17/why-china-stands-to-benefit-from-ambiguity-on-crimea/

39. Rosato, S. (2021). *Intentions in Great Power Politics.* New Heaven & London: Yale University Press.
40. Saito, R. (2026). Analyzing the diversification of logistics in Central Asian countries: a study from the perspective of foreign relations. *Journal of Contemporary East Asia Studies*, 1-25. doi:10.1080/24761028.2026.2647862
41. Sato, J. (2026, 3 14). *Lowy Institute Global Diplomacy Index*. Retrieved from Lowy Institute: https://www.lowyinstitute.org/programs-projects/lowy-institute-global-diplomacy-index
42. Sidhu, A. (2024, September 6). *The Geopolitics of China's Military Base in Tajikistan*. Retrieved from Geopolitical Monitor: https://www.geopoliticalmonitor.com/chinas-military-base-in-tajikistan/#
43. Silvan, K. (2021). *Russian Policy Towards Central Asia 30 years after the collapse of the Soviet Union.* Helsenki: Finnish Institute of International Affairs. Retrieved from https://www.fiia.fi/wp-content/uploads/2021/11/bp322_kristiina-silvan-russian-policy-towards-central-asia-30 -years-after-the-collapse-of-the-soviet-union
44. Simonov, M. (2025). The Belt and Road Initiative and Partnership for Global Infrastructure and Investment: Comparison and current status. *Asia and the Global Economy*, 1-8. doi:10.1016/j.aglobe.2025.100106
45. sipri. (2026, March 20). *SIPRI Arms Transfers Database*. Retrieved from STOCKHOLM INTERNATIONA PEACE RESEARCH INSTITUTE: https://www.sipri.org/databases/armstransfers
46. Starr, S. (2023). *U.S. Policy in Central Asia through Central Asian Eyes.* Washington, D.C.: Central Asia- Caucasus Institute; Silk Road Studies Program. Retrieved from https://www.silkroadstudies.org/resources/230504-SRP-Fred-full.pdf
47. Stevens, F. (2025). A Revanchist Chinese Foreign Policy, with Xi Jinping's Politics in Command. *JOURNAL OF CONTEMPORARY CHINA*, 1-21. doi:10.1080/10670564.2025.2589803
48. Strokov, A., Paramonov, V., & Stolpovskiy, O. (2010). CHINA IN CENTRAL ASIA. *CENTRAL ASIA AND THE CAUCASUS, 11*(4), 66-79.
49. Szalkai, K. (2020, September 25). *Russia's Recent Military Buidup in Central Asia*. Retrieved from Center for Strategic & International Studies: https://www.csis.org/blogs/post-soviet-post/russian-recent-military-buildup-central-asia#
50. Tanaka, M. (2026). From the Digital Silk Road to the governance of cyberspace: China's norm diffusion strategy in Central Asia. *JOURNAL OF*

CONTEMPORARY EAST ASIA STUDIES, 1-31. doi:10.1080/24761028.2026.2647684

51. Teather, D. (2010, August 16). *China overtakes Japan as world's second-largest economy*. Retrieved from The Guardian: https://www.theguardian.com/business/2010/aug/16/china-overtakes-japan-second-largest-economy1
52. Thang , T., & Kiet, L. (2023). China's Foreign Security Strategy Through the Belt and Road Initiative Under Xi Jinping: Achievements and Challenges. *International Journal of Applied and Scientific Research (IJASR)*, 329-346. doi:10.59890/ijasr.v1i4.927
53. Trenin, D. (2021, July 13). *Afghanistan After the U.S. Pullout: Challenges to Rissia and Central Asia*. Retrieved from Carnegie Moscow Center: https://carnegie.ru/commentary/84951
54. Tsereteli, M. (2025, July 31). *Toward a New US-CEntral Asia Strategy*. Retrieved from AFPC (American Foreign Policy Council): https:www.afpc.org/publications/articles/toward-a-new-us-central-asia-strategy
55. UNCT. (2026, March 12). *Free access to detailed global trade data*. Retrieved from UN Comtrade database: https://comtradeplus.un.org
56. Wani, A. (2025). *China and Afghanistan's Jousting Over the Wakhan Corridor.* New Delhi: observer Research Foundation. Retrieved from https://www.orfonline.org/research/china-and-afghanistan-s-jousting-over-the-wakhan-corridor
57. Wilson, J. (2010). Coloured Revolutions: The View from Moscow and Beijing. *Journal of Communist Studies and Transition Politics*, 369-395. doi:10.1080/13523270902861061
58. Wishnick, E. (2009). *Russia, China, and the United States in Central Asia: Prospects for Great Power Competition and Cooperation in the Shadow of the Georgian Crisis.* Carlisle, Pennsylvania: USAWC Press.
59. Wolff, P. (2016). *China's 'Belt and Road' Initiative Challenges and Opportunities.* Bonn: German Development Institute. Retrieved from https://www.idos-research.de/uploads/media/Belt_and_Road_V1.pdf
60. Yamaguchi, S. (2026). China's diplomacy in Central Asia: the logic of internal politics coupled with the logic of great power competition. *Journal of Contemporary East Asia Studies*, 1-23. doi:10.1080/24761028.2026.2619803
61. Yazdani, E. (2021). Central Asia's Foreign Relations: A Comparison Between the Soviet and Post-Soviet Era. *International Relations and Diplomacy, 9*(6), 211-224. doi: 10.17265/2328-2134/2021.06.001

62. Yinhong, S. (2019, January 15). China’s Shift to a More Assertive Foreign Policy. (P. Haenle, Interviewer) doi:https://www.chinafile.com/library/china-world-podcast/chinas-shift-more-assertive-foreign-policy
63. Yi Qu, X., & Peng, N. (2024). China-Afghanistan Relations and the BRI: Progress, Challenges and Prospects. In N. Peng, & K. Rahman, *The Uncertain Future of Afghanistan* (pp. 131-157). Singapore: Springer Nature Singapore. doi:10.1007/978-981-97-2409-3_7
64. Zakiyeva, Z. (2025). Diplomatic and Geopolitical Aspects of US Strategy in Central Asia: The Case of Kazakhstan. *Journal of Eurasian Studies*, 1-14. doi:10.1117/18793665251401940
65. Zuenko, I. (2025). China’s Activity in Central Asia in Light of Russian Interests. *RUSSIA IN GLOBAL AFFAIRS*, 146-164. doi:10.31278/1810-6374-2025-23-2-146-164